



یادواره ای از چریک فدائی خلق رفیق مُرتضی دربین (علی)

کمونیست ها در راه عالی ترین آرمان های طبقاتی، یعنی اهداف طبقه کارگر می جنگند، از اینرو مبارزه انقلابیون کمونیست دشوارترین، حادثترین و با شکوه ترین مبارزه تاریخ بشری است چرا که دهشتناک ترین و هارترین دشمن بشریت، غارتگران و چپاول گران سرمایه های مردمی است که در برابر اراده فولادین آنها قرار دارد و از این منظر، سر سخت ترین مقاومت ها برای جلوگیری از پیشروی این مبارزه و پیروزی ناگزیر آن، سازمان می دهد.

از این رو انقلابیون کمونیست همواره و در هر لحظه در میان انبوه مشکلات و سختیها محاصره می باشند. بنابراین عزم و اراده قوی برای تقابل با این دشواری ها، شور و شوق وافر جهت چیره شدن بر آنها، از مبارزه روزمره کمونیستی و خصائل انقلابی آنهاست.

رفیق مرتضی دربین در سال 1336 در یک خانواده زحمتکش در شهر بابل دنیا آمد و تحصیلات ابتدائی و متوسط خود را در همین شهر بپایان رسانید. در مبارزات توده ای سالهای 56 - 57 شرکت کرد و نقش فعالی در آن ایفا نمود. در سال 58 به هواداری از چریکهای فدائی خلق پرداخت و بلحاظ برخی قابلیتها، از جمله جسارت، پشتکار و پیگیریش، در ارتباط نزدیک با سازمان قرار گرفت. در این ایام بخاطر جدیت و فعالیت پیگیرش در دفاع از منافع زحمتکشان و تبلیغ نظرات تشکیلات در افشای سیمای مُزدور جمهوری اسلامی، به چهره ای شناخته شده در شهر بابل، مبدل شد.

رفیق علی در سال 59 برای گذراندن دوره آموزشی سیاسی - نظامی به یکی از پایگاه های سازمان در کردستان اعزام شد و با موفقیت دوره آموزشی را به اتمام رسانید.

در اواخر سال 59 با طرح وظایف نوین از سوی سازمان و در روند برگزیدن تشکیلات ماشی انقلابی، بازگشائی جبهه شمال، در دستور کار سازمان قرار گرفت و رفیق علی در همین راستا، سازماندهی گردید.

رفیق علی در حین انجام این وظیفه بود که در اوائل سال 60 توسط رژیم دستگیر می

شود و در زیر شدیدترین شکنجه ها قرار می گیرد.

اما رفیق با لبانی بسته و چشمانی پُر از کینه، و حشیانه ترین شکنجه ها را که آثار و عواقب ناشی از آن تا زمان حیاتش او را بشدت رنج می داد تحمل نمود. دژخیمان جمهوری اسلامی که در کسب اطلاعات از این رفیق با شکست کامل روبرو گردیدند خود را در برابر مقاومت سخت و اراده پولادین او، ناتوان یافتند. آنها بالاخره حکم اعدامش را صادر کردند. اما رفیق موفق گردید شب قبل از اعدامش از زندان بگریزد و با آنکه رژیم خیلی زود متوجه فرارش می گردد، موفق به دستگیری وی نمی شود.

رفیق علی پس از تماس با سازمان، برای تداوم فعالیت اش به کردستان مُنتقل می گردد و با شرکت در جنبش حق طلبانه خلق کُرد، ضمن انجام وظایف انقلابی، تجربیات و آگاهی انقلابی خود را ارتقاء می بخشد.

همزمان با بازگشائی جبهه شمال، رفیق علی از جمله رفقائی بود که با پذیرش این واقعیت برعلیه هرگونه روحیه دلسردی و یأس پیا خواست و با پُشتکار و پیگیری زیاد و شور و شوق فراوان به بازسازی ستون جنگل، کُمد زیاد کرد و در این رابطه نقشی اثر گذار، ایفا کرد که حاصل آن، تداوم و تحکیم فعالیت ستون چریکی جنگل بود. در اواسط سال 61 به عضویت سازمان در آمد و از آن به بعد مسئولیت های بیشتر و مهم تری را در پیشبرد وظایف انقلابی بر عهده گرفت و با وجود بیماری شدیدی که بر اثر شکنجه های جمهوری اسلامی با خود حمل می کرد، کوچکترین تزلزلی و یا سُستی، از خود نشان نمی داد.

در جریان مبارزه ایدئولوژیک درونی با گرایشات انحلال طلبی و ... مرزبندی قاطع نمود و با استواری ضمن افشای این گرایشات، به دفاع از تئوری مبارزه مسلحانه و وظایف سازمان پرداخت.

در اواسط سال 62 به تهران منتقل می شود و درحین انجام ماموریت تشکیلاتی طی نبردی نابرابر دستگیر می شود و دوباره، بزیر شکنجه های قرون وسطائی رژیم پُرده می شود. دژخیمان رژیم که یکبار او را آزموده بودند و عجز و زیونی شان را در درهم شکستن مقاومت این رفیق تجربه کرده بودند از همان آغاز، رفیق را بزیر شدیدترین و وحشیانه ترین شکنجه ها بُردند اما رفیق این بار هم سرسخت و مقاوم و با قامتی افراشته که شایسته یک چریک فدائی خلق است در برابر آنان ایستاد و سرانجام در اواسط سال 62 اعدام گردید.

رفیق علی اکنون در کنار ما نیست اما، خاطره او که مُعرف وفاداری و تعهد نسبت به ایدئولوژیک سُترگ مارکسیسم - لنینیسم و مشی مبارزه مسلحانه و ایمان به پیروزی زحمتکشان و عشق و علاقه وافر به سازمان و رفقایش بود، همواره بیاد ماندنی است.

یادش گرامی و راهش پر رهرو باد